

جایگاه یهودیان نومسلمان در تغییرات فرهنگ عمومی و عوام‌زدگی جامعه اسلامی

دکتر محمد علی چلونگر، عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان
سید محمد جعفر میرجلیلی، کارشناس ارشد تاریخ اسلام

چکیده

یهودیان در نیم قرن نخست هجری، منشأ اقدامات فرهنگی گوناگونی بوده و برکل جامعه اسلامی تأثیر گذاشتند. مناسبات سیاسی و اجتماعی یهودیان با مسلمین و روابط آنها با اعراب ساکن جزیره العرب از یک سو و سطحی‌نگری عمومی و ناتوانی مسلمین در ارائه الگوی مورد نظر اسلام از سوی دیگر، مبانی دینی مسلمین را با چالش جدی مواجه ساخت و باعث جلب اعتماد عمومی نسبت به بزرگان این قوم گردید. یهودیان با بهره برداری از این موقعیت، هویت جمعی را تغییر داده و جامعه را به سمت عرف‌گرایی رهنمون شدند و از طریق اشاعه عقاید خرافی، در تحریف حقایق و تغییر وضع فرهنگی و اجتماعی جامعه تلاش کردند. سیاستمداران این قوم برای پیشبرد منافع خود، به تدریج رنگ عوض کرده و در حالی که خارج از بدنه قدرت جدید مانده بودند، آن را تحت تأثیر قرار دادند. سعی آنان بر این بود که به عنوان مشاور، بر حاکمان سیاسی اعمال قدرت کرده و با تامین مطالب مورد نظر قصبه‌گویان، بر افکار عمومی و حکومت اسلامی تأثیرگذار باشند.

کالبدشکافی وقایع جامعه نوین اسلامی نشان می‌دهد که یهودیان تازه مسلمان با برنامه‌ریزی فرهنگی و ترویج ساز و کارهای عملی و هدایت فرهنگ عمومی، مشارکت در ابعاد گوناگون جامعه و شرکت در مدیریت فرهنگی، ساماندهی و اداره امور، سیاستگذاری‌ها و تعیین خط مشی‌ها و اهداف و

تاریخ پذیرش: ۸۹/۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۳

E-mail: smgmirjalili@yahoo.com

ترسیم خطوط راههای فرهنگی برای انجام اقدامات متناسب با برنامه‌ریزی‌های انجام شده، راهکارهایی را برای مدیریت فرهنگی ارائه می‌دادند. آنها با تشخیص و شناسایی مشکلات فرهنگی، نیازهای جدید فرهنگی را تعریف می‌کردند و با شناسایی و برآورد یدگاه حاکمان و بدنه قدرت، از شرایط موجود برای تحقق اهداف‌شان برنامه‌ریزی می‌نمودند. این تحقیق بر آن است تا با روش تحقیق کتابخانه‌ای، نقش این تازه مسلمانان را در عوام‌زدگی جریان‌ات اجتماعی جامعه اسلامی نشان دهد.

واژگان کلیدی: یهودیان، اسلام، عوام‌زدگی، خرافات، اسرائیلیات.

مقدمه

به دنبال پراکندگی یهودیان در اقصی نقاط عالم، عده‌ای از آنها به عربستان وارد شدند و در واحه‌های آباد آنجا به زندگی پرداختند. با ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی تحولی اساسی در زندگی سیاسی و اجتماعی آنان پدیدار گشت. آگاهی یهودیان از بعثت پیامبر(ص) در این سرزمین و پیش‌بینی مبعث آن بزرگوار، ذهنیت گروهی از اعراب را برای پذیرش دعوت آن حضرت آماده ساخت و بشارت‌هایی که در متون دینی یهود مبنی بر بعثت آن حضرت وجود داشت، در پذیرش اسلام مؤثر بود. رابطه اسلام و یهودیت، در زمان تشکیل دولت اسلامی شروع شد و اولین منشور سیاسی اسلام، حقوقی را برای یهودیان به عنوان یکی از مهمترین همزیست‌های جامعه اسلامی مد نظر قرار داد اما این روابط از الگوی خاصی پیروی نمی‌کرد و تحت تأثیر اوضاع سیاسی - اجتماعی، خصوصیات روحی و اخلاقی یهودیان و دید هر یک از طرفین به دیگری، تغییراتی داشت. این تغییرات در قالب روابط سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی تجلی یافت.

با ورود پیامبر(ص) به مدینه، یک نفر یهودی ورود آن حضرت را نوید داد و فریاد زد پیامبر آمد. یهودیان مات و مبهوت بودند که آیا این همان پیامبری است که بشارت ظهور او در تورات آمده است؟ قراین موجود بر نام او، محل ظهورش و غیره تطبیق می‌کرد و شواهد حقانیت پیامبر در نظر آنان روشن بود. بنابراین یهودیان در نبوت او شکی نداشتند. قرآن بر این

مسأله تأکید دارد که یهودیان آن حضرت را به خوبی می‌شناختند: «یعرفونه کما يعرفون ابناءهم». اما پیروان دین حضرت موسی امیدوار بودند بتوانند آن حضرت را به خود نزدیک کنند. از همین رو، به او پیوستند و پیمان‌نامه مدینه را امضاء کردند. به تدریج، رابطه اسلام و یهودیت تحت تأثیر عوامل «ی چند رو به تیرگی نهاد و یهودیان که در ابتدای ورود پیامبر(ص) به مدینه با آن حضرت همگام شده و با ایشان پیمانی منعقد کرده بودند به دنبال اسلام آوردن برخی از سران‌شان- از جمله عبدالله بن سلام- ترسیدند که یهودیت از سرزمین عربستان رخت بربندد. از طرفی، ترس از دست دادن موقعیت اجتماعی گذشته و یا اجبار بر ترک بعضی عادات مثل شرب خمر و ربا و غیره، آنها را واداشت که اصل را فدای فرع کنند و به مخالفت با پیامبر اسلام(ص) روی آورند. رابطه سیاسی و اجتماعی اسلام با یهودیان دگرگون شد. آنان پیامبر(ص) را سرزنش، نکوهش و مسخره می‌کردند و بسیاری از مشترکات دینی خود با اسلام را وسیله قرار دادند تا بگویند آن حضرت دین خود را از آنها گرفته است. به دنبال این واقعه، تغییر قبله صورت پذیرفت. از این پس بود که یهود سرزنش پیامبر(ص) و مسلمانان را دو چندان کردند و به تدریج روابط سیاسی اسلام و یهودیت به درگیری‌های نظامی و غزوات بنی قینقاع، بنی نضیر و خیبر منتهی شد.

پس از جنگ خیبر، فعالیت‌های مقابله‌جویانه یهودیان به فعالیت‌های زیرزمینی مبدل شد. آنان که از لحاظ سیاسی منزوی شده بودند و ائتلاف سیاسی‌شان درهم شکسته شده بود و طعم تلخ تقابل با مسلمانان را چشیده بودند، بر آن شدند تا روابط سیاسی جدیدی را در قالب دخالت در مسائل سیاسی و فرهنگی از طریق پیشگویی‌های سیاسی و پی‌ریزی توطئه‌های سیاسی ایجاد نمایند. چیزی نگذشت که با اسلام‌آوری گروهی از علمای یهود، نفوذ آنان به عنوان مشاوران و معتمدان در جامعه اسلامی نقش مهمی را در مسائل سیاسی و فرهنگی سده اول هجری ایفا کرد. روابط اجتماعی اسلام و یهودیت تحت تأثیر خصوصیات اخلاقی و نژاد پرستی یهودیان شکل گرفت و از حالت عادی خارج شد. حسادت، احساس برتری و فخر فروشی یهودیان، ترس از دست دادن موقعیت‌های اجتماعی گذشته و ترس از کف رفتن منافع اقتصادی، عواملی

بود که بر روابط اجتماعی تأثیر گذاشت و این روابط به توهین و استهزاء، تحقیر و انکار نبوت، طرح شایعات بی‌اساس و تبلیغات کاذب بر علیه اسلام، تفرقه‌افکنی، طرح شبهات علمی و مذهبی و تقاضاهای بی‌جا به امید تخریب ماهیت اسلام، مقابله با قرآن و سودجویی از آیات قرآنی کشیده شد. هر چند پیامبر(ص) به عنوان زمامدار و رهبر مسلمین سعی کردند با آنها مراوداتی برقرار کنند، اما یهودیان در ضمن این روابط، قصد ترور شخصیت آن بزرگوار را داشتند و در صدد ضربه زدن به آن حضرت برآمدند. به دنبال وفات آن حضرت، یهودیان امیدوار بودند به موقعیت برتر اجتماعی دست یابند. در قرن اول هجری، روابط جامعه اسلامی با یهودیان حول محور مشخصی دور نمی‌زد و ضمن اینکه گاهی یهودیان سرزنش و نکوهش می‌شدند، به احبار و دانشمندان یهود جایگاه اجتماعی والایی، اختصاص داده می‌شد؛ به گونه‌ای که توانستند اوضاع فرهنگی را تحت‌الشعاع افکار خود قرار دهند. در این بین، ائمه شیعه(ع)، مسلمین را از ارتباط با یهودیان منع می‌کردند و حتی المقدور سعی داشتند مسلمانان را از عواقب سوء ارتباط با یهودیان آگاه کنند. در عصر پیامبر(ص) روابط اقتصادی با یهود به صورت مبادلات کالا و خدمات وجود داشت. پیامبر(ص) در ابتدا به یهودیان فرصت اقتصادی می‌دادند و بازرگانان یهود را تشویق به توسعه تجارت می‌کردند و آن حضرت به نوعی کالاهای تجاری را بیمه می‌کرد و می‌فرمود: « اگر چیزی از تجار ضایع شود جبران خواهم کرد». با توجه به اینکه یهودیان از وضعیت اقتصادی بهتری نسبت به مسلمین برخوردار بودند، در مبادلات تجاری عموماً خریدار بودند و حتی گاهی به مسلمانان وام نیز می‌دادند. هر چند قلت داده‌های تاریخی پیرامون روابط اقتصادی، پژوهشگران را از بررسی جامع این روابط مانع می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد روابط اقتصادی مسلمانان و یهود به دنبال تیرگی روابط سیاسی و اجتماعی رو به وخامت گذاشت و پیامبر فرمانی مبنی بر اینکه مسلمانان بازارهای جداگانه‌ای از یهودیان بر پا کنند، صادر کردند. اما پس از وفات پیامبر، روابط اقتصادی مسلمانان و یهود به صور گوناگون پایدار بود.

در روابط اعتقادی اسلام و یهودیت هر چند اشتراکاتی وجود داشت اما پیامبر(ص) قبل از بعثت هیچ رابطه‌ای با آنها نداشت و بعد از ظهور اسلام نیز، راه اسلام از اعتقادات توأم با خرافات یهودیان جدا بود. مسلمانان به خصوص پس از وفات پیامبر(ص) تا پایان قرن اول گاهی از یهودیان می‌خواستند تا نظر تورات را پیرامون مسائل مختلف برای آنها بازگو کنند، اما ارجاع به تورات در مسائل اعتقادی و احکام نبود، بلکه دایره آن بیشتر به مسائل سیاسی و پیش‌بینی حوادث آینده محدود می‌شد.

در روابط فرهنگی نیز دوران حیات پیامبر (ص)، دوران اصلاح و تعدیل نفوذ یهود بود. شخصیت پیامبر(ص) روابط فرهنگی را تحت الشعاع قرار می‌داد و با رحلت آن حضرت این بنیان به سستی گرایید و روابط فرهنگی اسلام و یهودیت در قالب دیگری ریخته شد. از آن پس، روابط فرهنگی جامعه اسلامی با یهود پررنگ‌تر شد و تأثیرات شایانی بر حیات فرهنگی مسلمانان گذاشت. رواج اسرائیلیات مهمترین نتیجه روابط فرهنگی اسلام و یهود پس از وفات پیامبر بود. حس کنجکاوی مسلمانان و توجه آنها به تورات، منافع سیاسی، منع تدوین حدیث، سکوت یا حمایت از مروجین اسرائیلیات، اقدامات قصاص (قصه گویان)، قدرت تسلط فرهنگی اهل کتاب، علاقه عمومی به کتب پیشینیان، ابجاز قرآن در بیان مطالب که به داستان‌های تاریخی ختم می‌شد و رایزنی با اهل کتاب در تفسیر سوره‌های قرآنی، مهمترین راه‌های نفوذ فرهنگی یهود در جامعه اسلامی بود.

زمینه‌ی تاریخی

یهودیان قبل از بعثت پیامبر (ص) در مسائل سیاسی عصر جاهلیت عربستان نقش داشتند و در جنگ‌ها و نزاع‌های قبیله‌ای با بعضی از قبایل عرب متحد می‌شدند. آنها در ساخت ابزار و وسایل جنگی از قبیل شمشیر و زره، دستی داشتند (جواد علی، ۱۹۸۷: ۱۴۰). از همین رو، طوایف مختلف سعی می‌کردند با یهودیان متحد شوند. به عنوان نمونه، در فجار دوم قبیله اوس به قبایل قریظه و یهود پیشنهاد اتحاد داد(ابن‌اثیر، ۱۳۵۸/ ج ۶: ۲۶۱). یهودیان به منازعات دوگانه قبایل

دامن می‌زدند و با اتخاذ سیاست‌های پنهانی مانع وحدت آنها می‌شدند (زرگری نژاد، ۱۳۷۰: ۱۲۰). یهودیان مدینه قبل از ظهور اسلام گاهی به صورت کارگزاران قدرت‌های بزرگ، نفوذ این دولت‌ها را در مدینه (برقبایل اوس و خزرج) حفظ می‌کردند (بویل، ۱۳۶۸/ج ۳: ۷۱۴).

پیامبر(ص) از نفوذ احبار یهود بین مردم عادی مطلع بودند، از همین رو با رؤسا و دانشمندان یهودی مدینه از جمله عبدالله بن صور و کعب بن اسید مذاکره کردند و از آنها خواستند تا اسلام را بپذیرند (احمد بیهقی، ۱۳۶۱/ج ۲: ۱۸۴). ابن هشام گزارشاتی را در زمینه مباحثه پیامبر(ص) با یهود مدینه آورده است. اما یهودیان به سیاستی دو پهلو در مبحث پذیرش اسلام روی آوردند. آنان به هنگام ملاقات با مسلمانان می‌گفتند، ایمان آوردیم و در زمانی که با یکدیگر خلوت می‌کردند، این موضوع را انکار می‌کردند. چنانکه در قرآن به این صورت به ایمان آوری آنان اشاره شده است: در ابتدای روز ادعای مسلمانی می‌کردند و در انتهای آن کافر می‌شدند (سوره بقره: آیه ۱۴). طبرسی در مجمع البیان در ذیل شأن نزول آیه ۳۷ سوره نساء به فتنه‌انگیزی‌های این قوم پرداخته است (طبرسی، بی‌تا/ج ۲: ۶۴). جنگ‌افروزی و فتنه‌انگیزی، از جمله مواردی است که در قرآن به یهود نسبت داده شده است. آیه شریفه «کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله» به این معناست که هر زمان یهودیان تصمیم به فتنه‌انگیزی و جنگ‌افروزی داشتند. خداوند بین سران آنها اختلاف انداخت و آتش جنگ را خاموش ساخت. با آنکه حقیقت بر آنها آشکار شده بود ولی به علت حسادت تمایل داشتند مسلمانان را از راه خدا به کفر بازگردانند. به تدریج، گرایش به سوی دشمنان و بدخواهان اسلام در بین یهود بالا گرفت. آنان چه از در مخالفت (اتحاد با منافقان مدینه و مشرکین) و چه از در موافقت صوری با اسلام، وجهی از مثلث نفاق را تشکیل دادند. کلمه نفاق، منافقات، منافقین و منافقان جمعاً ۳۵ بار در قرآن ذکر شده است (اردستانی، ۱۳۶۰: ۵). یهود با منافقان همکاری داشتند و منافقان برای محو اسلام با یهود هم قسم شده بودند (پاکنژاد، بی‌تا: ۳۶). در چند باب از سیره ابن هشام به ارتباط یهود و منافقان اشاره شده است؛ باب الاعداء من الیهود، من اسلم من احبار یهود نفاقاً، من اجتمع الی یهود من منافقین، ما نزل من البقره فی المنافقین و اللیهود که بیانگر شیوه یهودیان در

نفاق به صورت همکاری با منافقان و تفرقه افکنی بود. جنگ افروزی و تفرقه افکنی، توطئه چینی و فتنه انگیزی، شبهه پراکنی و نفاق از مهمترین اقدامات سیاسی و فرهنگی یهود در زمان پیامبر (ص) بود (قرآن کریم: مائده ۶۴، آل عمران ۱۰۱، ۷۲، ۹۹، بقره ۱۰۹). این دامنه وسیع فعالیت که تنها قسمت ظاهری آن یعنی عداوت و مقابله یهود با اسلام در منابع به تصویر کشیده شده، در بعد پنهانی این روابط بسیار وسیع تر و کارآمدتر ایفای نقش می کرد. مسئله ای که از یکسو زندگانی بدوی، بی سواد، دوری از اسلام به جهت سطحی نگری مسلمانان و از سوی دیگر توانایی و نفوذ بالای یهود در ارائه داستان های مورد توجه مسلمانان، شهرنشینی یهود و دسترسی آنان به تجمعات جدید اسلامی و تغییر سیاست مقابله به نفوذ، آنرا تسریع نمود.

یهودیان تازه مسلمان در نیم قرن نخست هجری

مجموعه عوامل بنیانی بسیاری موجب تغییرات اساسی در فرهنگ عمومی عصر پیامبر (ص) و ایجاد خرده فرهنگ ها شد. هر چند جامعه جدید اسلامی، ماهیت کلی خود را حفظ کرده بود، لیکن مسائلی وجود داشت که عموماً از تفکرات عصر جاهلی و روایات اهل کتاب تاثیر می پذیرفت. عده ای از مسلمانان خواهان شناخت بیشتر و بهتر دین بودند ولی نقش کسانی که بتوانند پاسخگوی شبهه های دینی باشند، بسیار کم رنگ شده بود. بنابراین، بازار دروغگویان و حدیث سازان و مفسرین عالم نما رونق گرفت و مطالب گمراه کننده بین مسلمانان رواج یافت. یهودیان از این موقعیت سوءاستفاده کردند. یهودیانی که اظهار مسلمانی می کردند و با اطلاع از طرز تفکر اعراب عصر جاهلی، روایات دروغین را منتشر کردند و اوضاع فرهنگی را به نفع خود تغییر دادند. تلاش ها و کوشش های اهل بیت هر چند مانعی بر سر راه آنها بود اما به دلیل محدودیت های سیاسی، امکان جلوگیری از نشر اسرائیلیات میسر نبود. به تدریج، شریعت اسلام دگرگون شد و اصحاب قیاس صاحبان شریعت جدید شدند (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۸/ ج ۱۲: ۸۴). باورهای غیرعقلانی و اسطوره ای مردم که تصویر خلاصه شده ای از یک آمیزه فرضی و گذشته افسانه ای بود، احساسات را جهت می داد و دیدگاه عمومی عمیقاً متأثر از آن بود. یکی از این

باورهای غیر عقلانی، محبوبیت اهل کتاب، خاصه احبار یهود نزد عرب بود که در نظام ارزشی جامعه آن روز پذیرفته شده بود. یهودیان تازه مسلمان مجموعه فرهنگی فعال جدیدی بودند که تصورات ذهنی عامه در مورد آنها موجب شد تا این گروه را به عنوان مشاوران و معتمدان جامعه جلوه داده و راه را بر مقاصد آنها هموار نمایند. اولین راهکار یهود به منظور تغییر فرهنگ عمومی، توسل به شعر و هجویات بود. ایجاد شبهه‌های کلامی و توهین و هجو مسلمانان توسط یهودیان از زمان پیامبر شروع شده بود. هجویات کعب بن اشرف و توهین یهودیان بنی قینقاع و غیره، نسبت به نوامیس مسلمین و توهین احبار یهود به پیامبر(ص) جزئی از این فعالیت‌ها بود. تحریک احساسات مسلمین و تلاش یهود به منظور منحرف کردن آنها به مرحله ای رسید که یهودیان عصر پیامبر عده ای را وادار می‌کردند به پذیرش اسلام تظاهر کنند تا زمینه شبهه پراکنی را فراهم سازند(سوره آل عمران: آیه ۷۲). توطئه‌ها تداوم یافت و در دوره‌های بعدی که یهودیان از آزار و اذیت مسلمانان و جنگ و حربه های سیاسی نا امید شده بودند، تغییر وضع فرهنگی در سر لوحه کار آنها قرار گرفت. توطئه‌های جدید باعث رخنه اسرائیلیات در متون و حدیث و تاریخ شد تا جایی که باعث اعتراض ابوذر غفاری نسبت به اقدامات کعب الاحبار یهودی تازه مسلمان شد. نتایج این اقدامات یهودیان، گسترش خرافات و چیزهای اساطیری بود (معرفت، ۱۳۷۲/ ج ۱: ۱۶۵) که به اسرائیلیات معروف است. در قرآن نیز به اسرائیلیات اشاره شده است (سوره مائده آیه ۸۲). چون از صدر اسلام تا پایان قرن اول هجری، یهودیان بیش از سایرین با مسلمانان در مدینه که مهد دولت اسلامی بود، معاشرت داشتند؛ لذا این قوم تأثیر بسزایی در ورود اسرائیلیات به تفاسیر و سایر منابع اسلامی به جای گذاردند (معرفت، ۱۴۱۸/ ج ۱: ۱۶۵). از آنجایی که بین روایات عهد عتیق و بعضی بیانات قرآن که به تاریخ پیامبران مربوط می‌شود، شباهت‌هایی وجود داشت (بوکای، بی تا: ۱۰۶) این شباهت‌ها، به یهود امکان می‌داد تا برخی از داستان‌های قرآنی که به صورت مختصر بیان شده بود را بسط دهند (قاسمی، ۱۳۸۰: ۳۷) و به مرور، به عرصه حیات فرهنگی مسلمین وارد شوند. گروه کثیری از یهودیان پس از رحلت پیامبر(ص) مجبور به ترک عربستان شدند و تنها عده محدودی از آنها در مدینه و

شهرهای اطراف آن باقی ماندند (ر.ک: بختیاری، ۱۳۷۳). احبار و بزرگان یهود که احساس می‌کردند توانایی درگیری نظامی و سیاسی از آنها سلب شده، درصدد ضربه زدن به فرهنگ عمومی جامعه اسلامی برآمدند. بهترین روش ممکن، استفاده از مهره‌های سیاسی بود. لذا یهودیان تمجید از بعضی خواص را سر لوحه کار خود قرار دادند تا با تمجید از آنان و نزدیک شدن به آنها، به فرهنگ اصیل اسلامی لطمه وارد کنند. بعضی از خواص از شخصیتی قابل انعطاف برخوردار بودند و به دلیل ضعف بنیه علمی و خلأ فرهنگی موجود به دنبال کسانی می‌گشتند که به عنوان مشاور، آنها را در اداره امور همراهی کنند و یهودیان امیدوار بودند با تأثیرگذاری بر آنها بتوانند نبض فرهنگی جامعه را در دست بگیرند (عاملی، ۱۴۰۲/ ج ۱: ۱۶۶).

اکثر یهودیان تازه مسلمان به ظاهر دین اسلام را برگزیده بودند. علاوه بر کعب الاحبار، عبدالله بن سلام، ثعلبه، ابن یامین، اسد و اسید پسران کعب، سعید بن عمرو و قیس بن زید از جمله این گروه بودند. این گروه که ظاهراً اسلام آورده بودند مهمترین افرادی بودند که اوضاع فرهنگی را به نفع یهودیان تغییر دادند. شکست‌های پیاپی سیاسی و نظامی یهود از پیامبر، افشاگری‌های قرآن، تغییر قبله، تغییر اوضاع اقتصادی مدینه به نفع مسلمانان و کاستن شأن و منزلت و سیادت یهود نزد اعراب، تعطیلی مراکز فحشا و فساد و مشروب‌سازی در مدینه، یهودی نبودن پیامبر و دلایل مختلف دیگر (ر.ک: میرجلیلی، ۱۳۸۰) باعث شد تا عالم‌نمایان به ظاهر مسلمان یهودی چون کعب الاحبار، وهب بن منبه، عبدالله بن سلام، کینه مسلمانان را به دل گرفته و بر علیه اسلام دست به مبارزه فرهنگی بزنند. بهترین موقعیت برای اجرای نقشه یهودیان، پس از وفات پیامبر بود. آنها به منظور جبران شکست‌های گذشته و با توجه به روحیه برتری طلبی‌شان (شبللی، ۱۹۶۷؛ قاسمی، ۱۳۸۰: ۳۷) سعی کردند تا مسلمانان را از لحاظ فرهنگی به احبار یهود وابسته کنند و بهترین روش، در دست گرفتن اوضاع فرهنگی تفسیر قرآن و بر پایی مجالس وعظ و سخنرانی بود و این آغاز رواج پدیده قصه‌گویی بود. ضعف علمی اعراب و دوری آنان از صاحبان علم و دانش به یهودیان کمک می‌کرد تا در اجرای مقاصدشان موفق باشند.

شباهت برخی از داستان‌های قرآن و تورات، مزده تورات به ظهور پیامبر و بعثت آن حضرت موجب شد تا جامعه، و جاهت مورد ادعای یهودیان مبنی بر داشتن آگاهی‌های بسیار در مورد تحولات جامعه اسلامی و رخدادهای آن را پذیرا باشد (ابن هشام، ۱۳۶۴/ ج ۲: ۱۶۶).

خرافات و اساطیر یهودیان که در میان اعراب رسوخ کرده بود به عنوان حقایق مسلم پذیرفته شد و پیامبر در مواجهه با این افکار و عقاید با دشواری بسیاری مواجه بود. اعراب خود را شاگرد یهود می‌دانستند (عاملی، ۱۴۰۲/ ج ۱: ۹۵). همانگونه که اشاره شد، برخی بزرگان عصر جاهلیت به مدراش (مکانهایی که احبار یهود در آنجا احکام شریعت یهودی را تعلیم می‌دادند) رفت و آمد داشته و سوالاتی در مورد گذشتگان و انبیاء می‌کردند و این رسم پس از پیامبر مجدداً احیاء شد (ابن عبدالبر، ۱۹۷۹/ ج ۲: ۱۲۳). جمعی از انصار در مقابل یهودیان احساس خود باختگی و در بسیاری امور به آنها اقتدا می‌کردند (نعنانه، ۱۳۹۰: ۱۰۸). این خود باختگی‌ها سبب شده بود تا اکثر مسلمانان باور کنند نام همه خلفا و ترتیب آنها و اتفاقات زمان آنها در کتب در دسترس اهل کتاب به ویژه یهودیان آمده است. (الذهبی، ۱۴۰۵: ۱۰۸؛ جعفریان، ۱۳۶۶/ ج ۲: ۷۲۵)

یهودیان نیز چنین دیدگاهی را تقویت می‌کردند. روایتی از ابن عباس، علاقه مردم به اهل کتاب را تأیید می‌کند (مصطفی، بی تا: ۱۰۸). با این اوصاف، بدیهی است که پس از وفات پیامبر تورات توسط یهودیان به عبری خوانده می‌شد و آنرا به عربی برای مسلمانان تفسیر می‌کردند (الصنعانی، ۱۳۹۰/ ج ۱۰: ۳۱۴ و ابن عبدالبر، ۱۹۷۹/ ج ۲: ۵۱) مثلاً می‌گفتند: در روایات ما آمده است، خدا آفرینش را از روز یکشنبه آغاز کرده و در آخرین ساعات روز جمعه، از آفرینش فارغ شد (سیوطی، بی تا/ ج ۱: ۲۴۱) یعنی خدا روز شنبه (یوم السبت روز تعطیل یهودیان) استراحت می‌کرده است، این حدیث بی ارتباط با تورات نیست.

فضای فرهنگی جامعه اسلامی به قدری توسط روایات مجعول آشفته شده بود که احمد امین در رابطه با این مسال چنین نوشته است: من روایاتی را از انس بن مالک که در سنه ۹۰ هجری وفات یافت می‌پذیرم که گفته بود: من هیچ چیزی نمی‌بینم که از زمان پیامبر تاکنون به حال خود باقی مانده باشد (احمد امین، ۱۳۵۸/ ج ۲: ۴۱۷). در بخش‌های مختلف نهج البلاغه

(نامه ۷۰) به وضعیت فرهنگی نابسامان عصر امام علی (ع) اشاره شده است: «همانا بسیاری از مردم تغییر کردند و از سعادت و رستگاری بی بهره ماندند به دنیا پرستی روی آورده و از روی هوای نفس سخن گفتند. کردار اهل عراق مرا به شگفتی واداشته است که مردمی خودپسند در چیزی گرد آمدند. می خواستم زخم درون آنها را مداوا کنم پیش از آنکه غیر قابل علاج باشد» (نهج البلاغه، نامه ۷۸). در خطبه هفدهم نیز چنین آمده: «به خدا شکایت می کنم از مردمی که در جهالت زندگی می کنند و با گمراهی می میرند در میان آنها کالایی خوارتر از قرآن نیست، اگر آن را آنگونه که باید بخوانند، و متاعی سودآورتر و گرانبهاتر از قرآن نیست، اگر آن را تحریف کنند، در نزد آنان چیزی زشت از معروف و نیکوتر از منکر نمی باشد. کار به جایی رسید که مردم در نگاه علی (ع) فقط رأی و نظر خودشان را قبول داشتند (نهج البلاغه، خطبه ۸۸، خطبه ۱۲۹، خطبه ۱۸۷، خطبه ۲۷). در هر حال، کم کم بازار دروغ پردازی در عرصه های علمی و حکومتی رونق گرفت و داستان های ساختگی به نام تفسیر قرآن وارد دین اسلام شد.

راه های نفوذ یهودیان به درون فضای فرهنگی جامعه اسلامی

- عواملی که باعث ورود یهودیان به عرصه های علمی - فرهنگی و سیاسی و تاثیر این گروه بر جامعه اسلامی شد به طور خلاصه از این قرار است:
- اشتراکات بعضی از متون یهود با اسلام و بهره گیری از این زمینه ها توسط یهودیان.
 - پیش زمینه و ذهنیت مثبت بزرگان و خواص کم سواد عرب در مورد یهودیان که با پیشگویی یهود در مورد ظهور پیامبر جدید تقویت شده بود و اعتقاد به جاهت و برتری یهود.
 - پذیرش خرافات یهود به عنوان حقایق مسلم توسط عده ای از اعراب.
 - اسلام آوردن و تقدس مآبی چند تن از احبار یهود.
 - ارائه افسانه ها و خرافات در قالب حدیث و روایت و تفسیر آیات تورات توسط یهود.
 - ارتباط اعراب با یهودیان قبل از اسلام.
 - منزوی ساختن عالمانی از جمله امام علی (ع) ابن مسعود، ابوذر، ابن عباس و غیره.

- ضعف علمی صحابه در توضیح و تفسیر آیات قرآن و تساهل مفسران و عامه‌گرایی تفاسیر.
- خلاء فکری- فرهنگی و علمی جامعه اسلامی.
- علاقه مسلمانان به افسانه‌ها و خرافات و اشتیاق به شنیدن مطالبی درباره آغاز آفرینش، اسرار هستی و غیره.
- عوام‌گرایی جامعه پس از پیامبر.
- اختلاط مسلمانان با ملل بیگانه و توسعه فتوح اسلامی (توجه به بیرون و غفلت از درون).
- سطح پایین اندیشه در زندگانی بادیه نشینی.
- به هر حال، یهود برای اعمال تغییرات فرهنگی و رواج داستان‌های دروغین، برنامه‌ها و سیاست‌های ویژه‌ای را مد نظر داشتند. یکی از بهترین روش‌ها مشروعیت سازی و بزرگ‌نمایی آیین یهود، قوم یهود و دوستان یهود، سوءاستفاده از ویژگی‌های شخصیتی و طرز تفکر صحابه، و فریب آنها، از دیگر اقدامات بود. ضعف بنیه علمی و فرهنگی صحابه باعث شده بود آنها فریب یهودیان را بخورند و خود را کمتر از یهود بدانند. بنابراین، مأخذ روایات آنها در بعضی از احادیث، یهودیان بودند (احمد امین، بی تا/ ج ۲: ۱۳۹). یکی از حرب‌های یهودیان برای بررسی اوضاع و جلب توجه خلفا، طرح سؤالات بیهوده بود. مسلمانان از پاسخ چنین سؤالاتی در می‌ماندند و یهودیان خودشان به خودشان جواب‌های بی‌ربط می‌دادند.
- چنین به نظر می‌رسد که یهود حرب‌های مختلفی به کار گرفت تا بتواند بر اوضاع فرهنگی مسلط شود. یکی از این حرب‌ها تسلط بر افکار عمومی و جلب توجه مسلمانان صاحب نفوذ بود (ابو ربه، ۱۹۶۱: ۹۲ و ابن کثیر، ۱۴۰۹/ ج ۷: ۹۲). کعب یکی از این تازه مسلمانان بود که در زمان خلیفه دوم اسلام آورد و مردم را با داستان‌های خود که از تورات نقل می‌کرد، سرگرم می‌نمود. کعب با پذیرش ظاهری اسلام، هم یهودی بود و هم مسلمان (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۸/ ج ۱: ۲۲۸). تأثیر کعب در عوام زدگی تفکر مسلمین به حدی رسید که خلیفه دوم او را نکوهش و تادیب کرد. خلیفه که از دست کعب عصبانی شده بود، با تازیانه او را زد و گفت «دعنا من

یهودیتک: دست از یهودی‌گری بردار» (ابو ربه، ۱۹۹۷: ۱۶۷؛ ابن جوزی، ۱۴۰۳/ج ۱: ۳۵). چنین روایتی نشانگر دخالت بیش از حد کعب در مسایل سیاسی است.

یهود دو فرقه بودند: فقهای فرقه «فریسیان» که به کتابت علم ایمان داشتند و سخنان دانشمندان خود را می‌نوشتند و از این طریق کتاب «تلمود» را تدوین کردند. فرقه دیگر موسوم به «قراء» بود که پس از ضعف «فریسیان» زیاد شدند. آنها معتقد بودند نوشتن چیزی جز تورات جایز نیست. این فرقه که به «صدوقیان» مشهور بودند چیزی جز «عهد عتیق» را به رسمیت نمی‌شناختند و عمل به احادیث شفاهی منقول از حضرت موسی (ع) را مردود می‌دانستند (شبللی، ۱۹۶۷: ۲۲؛ عاملی، ۱۳۷۶: ۱۸۵). در تلمود نیز آمده است: حق ندارید آنچه را که به صورت شفاهی روایت شده ثبت کنید (عاملی، ۱۴۰۲/ج ۱: ۲۷ و ناس، ۱۳۷۰/ج ۵: ۳۶۷). کعب الاحبار جزء فرقه‌ای بود که نوشتن چیزی جز تورات را جایز نمی‌دانستند (زمخشری، ۱۳۶۹/ج ۲: ۱۵۰). وهب بن منبه نیز عضوی از همین فرقه بود (صفوری، ۱۴۰۸/ج ۲: ۱۹۹ و ابن کثیر، ۱۴۰۹/ج ۶: ۶۲).

به نظر می‌رسد که این نوع نگرش در منع مردم از نقل حدیث در نیم قرن اول هجری بی‌تاثیر نبوده است (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۸/ج ۳: ۲۲۷). نقل است که در زمان معاویه، کعب الاحبار در بعضی موارد به عنوان حکم در مواقع اختلاف برگزیده می‌شد (سیوطی، بی‌تا/ج ۴: ۲۴۸). امام علی (ع) در خطبه ۲۱۰ نهج البلاغه، راویان حدیث را به چهار گروه تقسیم می‌کند که مهمترین آنها منافقان نفوذی هستند. آن حضرت در این رابطه چنین می‌فرماید: «اگر مردم می‌دانستند او منافق دروغگو است از او نمی‌پذیرفتند و گفتار دروغین او را تصدیق نمی‌کردند اما با ناآگاهی می‌گویند او از اصحاب پیامبر است. رسول خدا را دیده و از او حدیث شنیده و از او گرفته است». یهودیان منافق را جزء این گروه به حساب می‌آوریم (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰).

احادیث پیامبر، مهمترین موانع تسلط فرهنگی یهودیان بر جامعه اسلامی بود. این احادیث نباید تدوین می‌شد وگرنه یهودیان نمی‌توانستند ماموریت خود را به انجام رسانند. بنابراین کعب الاحبار، یهودی مسلمان‌نما که از طبقه قراء و قائل به منع کتابت حدیث بود، مأمور بود تا

به صورت غیرمستقیم و با ترویج اندیشه‌های یهودی، از ضبط و ثبت احادیث نبوی جلوگیری کند و تلاش‌های او مؤثر واقع شد (عاملی، ۱۴۰۲/ ج ۵: ۱۷۵). در همین راستا، حدیثی از پیامبر جعل شد: «از من چیزی ننویسید و هر که چیزی نگاشته باید از بین ببرد» (قاسمی، ۱۳۸۰: ۱۸۵). با مقایسه این حدیث با جمله تلمود «مطالبی را که به طور شفاهی برای تو نقل می‌شود حق نداری که با نوشتن ثبت کنی»، ارتباط این روایت با یهودیان مشخص می‌شود. به این ترتیب، اعلام شد که آنچه حدیث از رسول خداست نابود کنند و کتب حدیثی را به آتش بکشند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۵۳). بسیاری از محدثان احادیث مکتوب خود را از بین بردند و مردم نوشتن حدیث را عیب دانستند.

قصه‌خوانی راهی برای نفوذ فرهنگی یهودیان

استفاده از قصه‌خوانی به عنوان مهمترین رسانه عمومی از دیگر فعالیت‌های فرهنگی یهودیان بود. قصه‌خوانی در تاریخ اسلام وجود داشت (جعفریان، ۱۳۷۸: ۷). کعب‌الاحبار یکی از همین قصه‌گویان بود. ارتباط اعراب و یهودیان قبل از اسلام و طرح و بیان اساطیرالاولین (سوره احقاف، آیه ۱۱) باعث رونق قصه‌گویی توسط این گروه شد. سوءاستفاده قصه‌خوانان از جعل حدیث، فضای عمومی را به نفع جاعلان حدیث تغییر داد و فرهنگ‌سازی شد. به گونه‌ای که:

- مسلمانان برای ساختن روایات جعلی با هم مسابقه می‌دادند (احمد امین، ۱۳۵۸/ ج ۲: ۳۶۱).

- قصه‌خوانان در تفسیر آیات و تاریخ انبیاء از تورات و دیگر روایات یهودی استفاده می‌کردند.

- اهل کتاب و به ویژه یهودیان در تصدی این امر از دیگران سزاوارتر و ماهرتر و از همگان در تحقق اهداف مورد نظر روسای قبایل و افراد صاحب نفوذ شایسته تر بودند؛ زیرا از قدیم مورد احترام اعراب بودند، و حمایت آنها را به خود جلب کرده بودند و اسلام نیز نتوانسته بود این دیدگاه بی‌اساس را از دل‌های ضعیف بزدايد (عاملی، ۱۳۷۶: ۱۲۹). اکثر علما قاص را

کسی دانسته‌اند که قصص اسرائیل روایت می‌کند (جعفریان، ۱۳۷۶: ۶۴). مطالب اسرائیلیات به دنبال تصریحاتی چون «اهل تورات گویند»، «بعضی اهل کتاب گفته‌اند»، «برخی از کتب پیشینیان گفته‌اند» و غیره در تفاسیر و تواریخ آمده است.

- مهمترین قصه گویان قرن اول هجری، یا یهودیان تازه مسلمان بودند یا یهودی‌زادگانی مثل کعب‌الاحبار، وهب بن منبه، عبدالله بن سلام، محمد کعب قرظی.

خلاء فرهنگی ایجاد شده پس از پیامبر(ص)، سیاست نادرست در برابر یهود و عدول از سنت پیامبر در رفتار با یهودیان، بی‌توجهی به حل مشکلات فرهنگی جامعه، پرداختن مردم به مسائل غیرضروری، سوءاستفاده از ایجاز و خلاصه‌گویی آیات قرآن و رواج قصه‌گویی و بالاخره بهره‌برداری یهودیان تازه مسلمان از این اوضاع، مهمترین دلایل رواج قصه‌گویی در قرن اول هجری است. گیپ معتقد است مهمترین مأخذ قصه‌ها احبار یهود بوده‌اند (گیپ، ۱۳۷۳: ۱۴۸). روایات اسرائیلی قصاص از تورات و تلمود گرفته می‌شد. به خصوص روایات مربوط به خلقت آدم تا عصر اسکندر مقدونی که احتمالاً از بخش دوم کتاب تلمود اخذ شده است (ابن قتیبه، ۱۴۰۸: ۲۷۰).

یکی از دلایل مخالفت یهودیان با قرآن، افشاگری قرآن بود. افسانه‌های مربوط به قصه‌های قرآنی که توسط یهودیان رواج یافت، از عناد آنها سرچشمه می‌گرفت. از دلایل مقابله یهود با قرآن و همسان کردن آن با تورات، تصور و ذهنیت مثبت اعراب نسبت به یهودیان بود. در نظر یهود تازه مسلمان بعد از قرآن، تورات مهمترین کتاب بود. آنان روایاتی را که با متن تورات همخوانی نداشت، باطل تلقی می‌کردند (الحلبی، بی‌تا/ ج ۲: ۲۱۶). قصد یهودیان تازه مسلمان، تحریف آیات قرآن بود. یهودیان به بهانه تکمیل و تفسیر آیات قرآنی و داستان‌های انبیاء، نسبت‌های جسورانه و زشتی به پیامبران می‌دادند. تفاسیری مثل تفسیر طبری، خازن، تفسیر کبیر، مقاتل، ثعلبی و غیره، پر از چنین داستان‌هایی است.

در این زمان، استفاده از حدیث به این دلیل بود که حدیث پیامبر بهترین وسیله‌ای بود که می‌توانست منزلتی را بالا ببرد یا پایین بیاورد (پاکنژاد، بی‌تا: ۱۴۷). از دیگر اقدامات یهودیان،

مقابله با پیامبر و تحریف شخصیت آن حضرت بود. هدف یهودیان تازه مسلمان از تخریب شخصیت پیامبر، دشمنی و خصومت سیاسی با آن حضرت بود. پیامبر(ص)، آورنده دین اسلام بود و لازمه نابودی دینی که با مصالح یهودیان سازگار نبود و پیامبری که از نسل آنها نبود، تخریب شخصیت پیامبر (ص) بود. برای رسیدن به شوکت قبل از اسلام و جبران کینه ای که از آن حضرت در طول جنگ‌های بنی قریظه، بنی قینقاع، خیبر و غیره داشتند. پس از وفات آن حضرت، علیه ایشان شایعه پراکنی کردند. یکی دیگر از اهداف آنها مخدوش کردن بعثت آن حضرت و بزرگ‌نمایی اهل کتاب و قراردادن این گروه به عنوان تکمیل کننده رسالت بود. بعدها این روند فرهنگی یهود به عنوان مستندات و مدارک تاریخی در کتب تاریخ اسلام وارد گردید و مورد توجه مسلمانان نیز واقع شد (قاسمی، ۱۳۸۰: ۴۳۳).

مقابله با امام علی (ع) و تحریف شخصیت آن حضرت از دیگر برنامه‌های فرهنگی یهود بود. یهودیان که از نفوذ بر پیامبر(ص) و منحرف ساختن ایشان ناامید شدند، تصمیم گرفتند تا بر آینده جهان اسلام تاثیرگذاری نمایند. آنها به خاطر عداوتی که در جنگ‌ها با علی (ع) پیدا نموده بودند، وی را یکی از مهمترین عوامل شکست‌های سیاسی و نظامی خود می‌دیدند. شکست در خندق و خیبر از مهمترین این شکست‌ها بود. مهمترین گروهی که به دشنام و تخریب شخصیت علی (ع) پرداختند « قصه گویان » بودند که از یهودیان الگو می‌گرفتند. منابع موجود نشان می‌دهد که امام علی (ع) سدی محکم در برابر این گروه بودند و توطئه‌های آنها را افشا می‌کردند (ابن ابی الحدید، ج ۶: ۲۱۵).

نتیجه

با مطالعه در احوال قوم یهود، در تاریخ اسلام به دو نوع رویه متفاوت آنان می‌توان اشاره نمود. نوع اول رویه یهودیان، مقابله مستقیم با حکومت اسلامی بود. آنان از حضور پیامبر در مدینه خوشحال نبودند از این رو در ضدیت با پیامبر(ص) با شرکت در اتحادها با بت‌پرستان و منافقین کارشکنی‌های زیادی در آغاز اسلام داشتند. در دوران حیات پیامبر آنان قادر نبودند

واکنش قابل توجهی انجام دهند. عمده‌ترین خطر آنان به هنگام هجوم کفار، احساس می‌شد. اتحاد آنان با منافقین نیز در کار مسلمانان ایجاد مشکل می‌کرد. این رویه منافقانه، سرانجام تلخی برای آنان رقم زد. سرگذشت بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع در داخل مدینه و سرگذشت یهود فدک و خیبر در خارج از آن، تجربه گرانی برای آنها بود. با رحلت پیامبر(ص) شیوه یهودیان تغییر کرد. ی از یهود که برخورد مستقیم را ناپودی می‌دانستند، به لباس مسلمانی درآمدند تا جایگاه از دست رفته پیشین را دوباره بدست آورند. وجود اشارات کوتاه تاریخی در قرآن، عاملی بود که اعراب را به طرف این تازه مسلمانان جلب می‌کرد؛ زیرا یهود تاریخ خود را به جدیت حفظ می‌کردند. به تدریج این تازه مسلمانان در مقام نقل روایت درآمدند و طرف مشورت نیز قرار گرفتند. فقدان درایت کافی در جامعه اسلامی مانع از برخورد جدی با فعالیت آنان بود. انتقال باورهای یهود در قالب اسرائیلیات و نشر اکاذب، فضای فرهنگی جامعه را به انحراف می‌کشانید. ایمان ظاهری یهود و اطلاعات زیاد تاریخی آنان و علاقه اعراب به نقل حکایت باعث رشد نفوذ یهود گردید. اعراب به صورت تاریخی با یهود ساکن در شبه جزیره عربستان مرادده داشتند اما دوران فتوح اسلامی مانع بزرگی در توجه مسلمین به داخل مرزهای اسلامی بود. در نگاه مسلمین، یهودیان شکست خورده خطری برای اسلام نداشتند؛ اما تغییر رویه برخورد با اسلام و نبود پیامبر و دسته‌بندی‌های سیاسی باعث نفوذ یهود تازه مسلمان در خواص جامعه اسلامی شد. بنابراین بازار گرم قصه‌گویان راه دیگر نفوذ یهود به شمار می‌رفت.

منابع

- ۱- ابن ابی الحدید (۱۳۶۸) شرح نهج البلاغه. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. چاپ اول. تهران: نشرنی.
- ۲- ابن اثیر، عز الدین (۱۳۵۸) الكامل. جلد ۶. بیروت: دارالصار.
- ۳- ابن جوزی، ابوالفرج بن عبدالرحمان (۱۴۰۳) القصاص و المذکرین. تحقیق قاسم السامرای. ریاض: دارالنشر و التوزیع.
- ۴- ابن عبدالبرالنمیری القرطبی، ابوعمر یوسف بن عبدالله (۱۹۷۹) جامع بیان العلم و فضله. مصر: دارالکتاب الحدیثیه.
- ۵- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۰۸هـ) تأویل مختلف الحدیث. تحقیق عبدالقادر احمد عطا، موسسه کتاب الثقافه، الطبعه الولی.
- ۶- ابن کثیر الحنبلی دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۹) البدایه و النهایه. حقه و حواشیه مکتب تحقیق التراث، بیروت: داراحیاء التراث العربی، موسسه التاریخ العربی.
- ۷- ابن هشام (۱۳۶۴) سیره پیامبر اسلام. ترجمه رسولی محلاتی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۸- ابوریه، محمود (۱۳۴۸ هـ / ۱۹۶۱ م) شیخ المضمیره، ابوهریره. طبعه الثالثه، مصر: دارالمعارف.
- ۹- ابوریه، محمود (۱۳۷۴ هـ / ۱۹۹۷ م) اضواء علی السنه المحمديه. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ۱۰- اردستانی، احمد (۱۳۶۰) اسلام و منافقین. بی جا.
- ۱۱- امین احمد (بی تا) ضحی الاسلام. لبنان: دارالکتاب العربی.
- ۱۲- امین احمد (۱۳۵۸) پرتواسلام. ترجمه عباس خلیلی. چاپ سوم. تهران: انتشارات اقبال.

- ۱۳- بختیاری، شهلا (۱۳۷۳) پیامبر (ص) و یهود مدینه. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: دانشگاه الزهراء.
- ۱۴- بوکای (بی تا) عهدین (قرآن و علم). ترجمه حسن حبیبی. تهران: انتشارات سلمان.
- ۱۵- بویل، جی. آ. (۱۳۶۸) تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- ۱۶- پاکتژاد، سید رضا (بی تا) یهود و قریش. چاپ اول. یزد: موسسه خیریه مهدیه.
- ۱۷- جعفریان، رسول (۱۳۶۶) تاریخ سیاسی اسلام. تهران: مؤسسه در راه حق.
- ۱۸- جعفریان، رسول (۱۳۷۸) قصه خوانان در تاریخ اسلام و ایران. چاپ اول. بی جا: انتشارات دلیل.
- ۱۹- جوادعلی (۱۹۸۷) المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۲۰- الحلبي، علی بن برهان الدین (بی تا) السیره الحلبیه. بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- ۲۱- خطیب بغدادی (۱۴۱۷ق) تقييد العلم. بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- ۲۲- الذهبی، محمد سید حسین (۱۴۰۵) الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث. دمشق: دارالایمان.
- ۲۳- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸) تاریخ صدر اسلام. تهران: سمت.
- ۲۴- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۶۹) ربیع الابرار و و نصوص الاخبار. قم: منشورات رضی.
- ۲۵- سیوطی، جلال الدین (بی تا) الدرالمشور. قم: منشورات مکتبه المرعشی النجفی.
- ۲۶- شبلی، احمد (۱۹۶۷) مقارنه الادیان. چاپ دوم. قاهره: مکتبه النهضه المصریه.
- ۲۷- صفوری، عبدالرحمان بن عبدالسلام (۱۴۰۸ق) نزهة المجالس و منتخب النفائس. بیروت: دارالجبل.
- ۲۸- الصنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۳۹۰) المصنّف. تصحیح عبدالرحمان الاعظمی. بیروت: المکتب الاسلامی.

- ۲۹- طبرسی، فضل بن الحسن (بی تا) مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- ۳۰- عاملی جعفر مرتضی (۱۳۷۶) درآمدی بر سیره نبوی. ترجمه محمد سپهری. چاپ اول. قم: دارالسیره.
- ۳۱- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۰۲ه) الصحيح من سیره النبی الاعظم. قم: انتشارات جامعه المدرسین.
- ۳۲- قاسمی، حمید محمد (۱۳۸۰) اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستانهای انبیاء در تفاسیر قرآن. چاپ اول. تهران: سروش.
- ۳۳- گیب، هامیلتون (۱۳۷۳) اسلام بررسی تاریخی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۳۴- مصطفی، حسین (بی تا) الاسرائیلیات فی التراث الاسلامی.
- ۳۵- معرفت، محمد هادی (۱۴۱۸ه) التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب. مشهد: جامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
- ۳۶- میرجلیلی، سید محمد جعفر (۱۳۸۰) رابطه اسلام و یهودیت در قرن اول هجری. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد علی چلونگر، اصغر محمود آبادی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ۳۷- ناس، جان (۱۳۷۰) تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۳۸- نعنانه، رمزی (۱۳۹۰ه) اسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر. دارالقلم ودا الریضاء.